

# تصادمات در قدرت !

## و دو پرده از نمایش آن در انتخابات

پرده اول نمایش انتخابات جمهوری اسلامی پائین افتاد. خواست رهبر و شورای نگهبانش این بود که "مردم همیشه در صحنه" در سالن های این نمایش در سرتاسر کشور، یکی از بازیگرانی را که از صافی های گوناگون گذشته و کارنامه ای مملو از خیانت، جنایت و غارتگری را به همراه خود داشت، به مثابه ناخدای کشتی ترک خورده جمهوری اسلامی "انتخاب" نمایند. وعده و وعید به تماشاچیان از سوئی و تهدید و ارعاب که عدم شرکت به مثابه براندازی نظام تلقی خواهد شد، می بایستی سالن های نمایش را پر می کردند.

کارگردانان این نمایش تهوع آور، خبرنگاران بین المللی را نیز جهت تماشای شرکت "مردم همیشه در صحنه" دعوت کرده بودند. گزارشات آنان حثاً پیش از پائین آمدن پرده، در رسانه های بین المللی انعکاس یافت: آسوشیند پرس از این که "جوانان انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده اند"، یعنی نزدیک به 60% جمعیت ایران، گزارش داد. خبرنگار بلژیکی از این که "به مردم رأی دهنده، غذای بسته بندی شده و کاست و سی دی هدیه داده اند" صحبت می کند، خبر روزنامه فیگارو دال بر "دانشجویان از حوزه های رأی گیری قهر کرده اند" بود. خبرنگار لوموند از این که "سایه تحریم بر انتخابات سنگینی می کند" گزارش می دهد. فرستاده تلویزیون سوئد در گزارش خود از تهران می گوید: "از چند حوزه دیدن کردم، خالی بودند". نیویورک تایمز در گزارش از انتخابات اعلام داشت: "نکته عجیب در انتخابات ایران زمانی بود که احمدی نژاد پیش از اعلام نتایج وزارت کشور، بیان نمود که در دور دوم انتخابات حضور می یابد!"

وزارت کشور و شورای نگهبان در فاصله 15 دقیقه سه رقم متفاوت از تعداد شرکت کنندگان اعلام داشتند. 15.7 میلیون نفر از سوی وزارت کشور، 21 میلیون و سپس با چند دقیقه فاصله 24 میلیون و 58 هزار رأی از جانب شورای نگهبان، چهره دیگر از نمایش را عرضه می دارد. علاوه بر آن روزنامه مهر به نقل از شورای نگهبان اعلام داشت که 15/4 درصد از شرکت کنندگان رأی سفید داده اند. به زبان دیگر حثاً بر مبنای آمار خود رژیم، نفرت اول و دوم با نزدیک به 8% آرای واجدین حق رأی به دور دوم برگزیده شده اند.

کروبی از مهره های سرشناس رژیم و نامزد مجمع روحانیون مبارز در مصاحبه با روزنامه الحیات می گوید: "در روز انتخابات از وزیر کشور خواستم که زمان انتخابات را تمدید نکند، زیرا هدف از این امر تمدید، در زمانی که مراکز رأی گیری خالی است، تغییر آرا است". او در ادامه مصاحبه خود می گوید: "از میان 70 میلیون ایرانی، دو میلیون هم نتیجه این واقعه را باور ندارند...".

پرده دوم این نمایش به فاصله یک هفته تنها با شرکت دو بازیگر، یعنی هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد اجراء شد. این که این بار آمار شرکت کنندگان در این نمایش افزونتر شده و یا کاهش یافته است، این که در برخی از حوزه های رأی گیری طرف داران دوبازی گر به جان هم افتادند، این که در بعضی از حوزه های رأی گیری باند امنیتی - نظامی به طور آشکار در قالب گروههای "امداد" و "فرهنگی" در اتاقهای رأی گیری حضور یافتند، این که مسئولان انتخاباتی وزارت کشور مورد ضرب و شتم طرف داران باند امنیتی - نظامی قرار گرفتند، این که روزنامه کیهان حثاً قبل از اعلام نتایج انتخابات از سوی شورای نگهبان و وزارت کشور، نوشت که احمدی نژاد برنده ی پرده ی دوم نمایش انتخابات شده است و این که ... دیگر اهمیت چندانی ندارد. آن چه که مهم است دریافت پیام نتیجه ی این نمایش است.

این پیام قبل از هر امری این مضمون را بیان می‌دارد که دارندگان اصلی قدرت، با تدارکی همه‌جانبه و سازمان یافته، آخرین سنگر به ظاهر "انتخابی" در جلو صحنه را نیز اشغال کردند.

درفاصله‌ی دو پرده نمایش، باقی مانده‌ی اصلاح طلبان ورشکسته‌ی دولتی و رفرمیستهای خارج از حکومت، از سران نهضت آزادی و جریان‌ات ملی - مذهبی تا نویسندگان و هنرمندانی از قماش دولت آبادی، سپانلو، کیارستمی و مخملباف، از آبرو باخته‌گانی همچون مسعود بهنود که هم به حزب رستاخیز رای داده و هم به همه‌ی "انتخابات" جمهوری اسلامی تا جامعه‌ی مدنی را تقویت کند، از ایدئولوگهای دوم خرداد همچون شمس الواعظین تا "اندیشمندی" نظیر عزت فولادوند که به دنبال هایدگر روان است، تمام ته مانده‌های رمق خود را در ظرف رفسنجانی ریخته و پشت وی به خط شدند تا رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را به رئیس جمهور خویش برگزینند که گویا سدی درمقابل "فاشیسمی" که در راه است، ایجاد کرده و درعین حال بارها و بارها نشان داده است که یکی از بهترین‌ها برای معامله با امپریالیستها و انحصارات بین‌المللی است - شخصی که خود یکی از مهره‌های اصلی تمام جنایتها و غارت‌گریهای نظام بوده و به قول خودش "هدفش از شرکت در انتخابات تحقق حداکثری مشارکت مردم که از اهداف رهبر معظم انقلاب است و نیز بر بالا رفتن سطح آرای رئیس جمهور منتخب و انسجام ملی (بخوان غارت ملی) در شرایط دشوارکنونی" بوده که "هدف اول و دومش در انتخابات متحقق شده" و در مورد هدف سوم هم که اکنون دیگر برآورده نشده "شکایت خود را در دادگاه عدل الهی" مطرح خواهد ساخت.

اکنون دیگر باشکست رفسنجانی آخرین تیر خلاص نیز به شقیقه‌ی آنانی که درتصور حفظ نظام از طریق "استحاله" و "رفرم" بودند وارد آمد. این امر بدون شک کمک شایانی جهت شفافیت اوضاع بوده و تصادمات پشت صحنه را به جلو صحنه رانده و دور تازه‌ای از تصادمات و درگیری‌های موجود در راس هرم قدرت را در پی خواهد داشت.

از جانب دیگر رئیس‌جمهورشدن احمدی نژاد، باند نظامی - امنیتی که زیر چتر رهبر نظام که از "انتخابات" دوره گذشته مجلس با برنامه‌ای نقشه‌مند جهت خارج ساختن یک یک رقیبان از دایره‌ی قدرت حرکت می‌کرد، ریاست قوه مجریه را نیز در دست خود قبضه نمود. این امر برخلاف تصور تحلیل‌گران کند ذهن رفرمیستها، استحاله چپان و محللین، همچون رعد و برق ناگهانی در آسمان صاف نبود، بلکه نتیجه‌ی تحولات حرکت جامعه بود، تحولاتی که نشان می‌دهند که مبارزه طبقاتی در بطن جامعه و تصادمات طبقاتی در میان اقشار بورژوازی - از بزرگ تا کوچک - اوضاع و احوالی را به وجود می‌آورند که در نتیجه‌ی آن آدم جنایتکار و ناشناخته‌ای چون احمدی نژاد، قیافه‌ی قهرمان "مستضعفین" را به خود می‌گیرد که چیزی جز تکرار تراژدی تاریخی روی کار آمدن خمینی در شکل کم‌دی آن نمی‌باشد. این "قهرمان" که توسط "قهرمانان" اصلی و شناخته شده‌ی باند نظامی - امنیتی که فاقد جذابیت لازم جهت سوار شدن بر موج مبارزه‌ی طبقاتی در بطن جامعه و تصادمات طبقاتی در بالا است، به جلوی صحنه رانده شده است.

شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد در شرایطی که مبارزه‌ی طبقاتی در بطن جامعه و به ویژه مبارزه‌ی کارگران و زحمت‌کشان از عمق به سطح آمده و تا حد ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و یا خواست قوی ایجاد این تشکلهای، برپائی اعتراضات و اعتصابات همه‌روزه، راه خود را به جلو می‌گشاید، می‌بایستی در خدمت خواباندن این موج و خارج کردن مجموعه‌ی نظام از تیر رس این مبارزه قرار گیرد. آن بخش از بورژوازی و خرده بورژوازی ایران که ناشی از سیاست نئولیبرالی رانت خواران کلان اقتصادی، در تطابق با برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به ورطه‌ی نابودی کشانده می‌شوند نیز منافع خود را در شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد می‌یابند.

انگلس حق داشت وقتی که در پیش گفتار نوشته ی برجسته و بی نظیر مارکس "هیجده هم برومر لوئی بناپارت" می گوید : " همه ی نبردهای تاریخی اعم از این که در صحنه ی سیاسی، مذهبی، فلسفی و یا در هر حوزه ی ایدئولوژیکی دیگر رخ داده باشد، در واقع چیزی جز بیان کم و بیش روشن نبردهای طبقاتی نیستند. قانونی که به موجب آن هستی طبقات اجتماعی و در نتیجه برخورد آنها با یک دیگر، به نوبه ی خود وابسته به درجه ی توسعه ی وضع اقتصادی یعنی شیوه تولید و مبادله است که چگونگی این یکی، خود، به اولی، (یعنی شیوه تولید)، بستگی دارد."

این که جنبش کمونیستی و کارگری ایران در دوره ی تلاطمات آینده موفق به خارج ساختن تک تک سنگرها از دست رژیم جمهوری اسلامی، برپائی انقلاب و کسب قدرت سیاسی موفق خواهدگردید، بستگی کامل به درجه ی سازمان یافته گی، وحدت و مبارزه ی همگانی این جنبش، دارد. ما به سهم خود در این راه حرکت و کوشش خواهیم کرد.